

The Decline of Historiology as an Academic Discipline

Hassan Hazrati¹

Abstract

The pace of change in human societies has increased considerably. Some of these changes and transformations are a function of scientific developments resulting from the intellectual endeavors of scholars across various fields. People in the modern world perhaps regard themselves, more than anything else, as indebted to scientists whose inventions and discoveries have brought and continue to bring remarkable changes to their lives. Alongside the empirical, technical, and basic sciences, humanities have likewise undergone transformations in their subjects, questions, and methods in response to the changes and developments occurring in human societies from various perspectives. Historiology is no exception to this rule. The fundamental question, however, is to what extent historians and historical scholarship are keeping pace with these transformations. Do historians pay sufficient attention to the effects of social change on their field of knowledge? Do they take the necessary measures to prevent the discipline from falling behind scientifically in response to these changes? More fundamentally, what

1. Associate Professor, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.
hazrati@ut.ac.ir

Received: May 21, 2026 - Accepted: July 11, 2026



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

threats the discipline of history and historians currently face, and what threats are likely to emerge in the near future from the perspective of the issue under consideration? This article answers these questions in the negative. The author argues that historians, as practitioners and custodians of an academic discipline, may be facing a major and unexpected challenge. The crisis of epistemic inefficacy, together with the transfer of the skill of data verification to technological sciences, is depriving history of one of its oldest and most fundamental functions and transferring that function to technologists. This essay seeks to demonstrate the nature and extent of this major threat and, ultimately, propose a way out of the crisis.

Keywords: Historiology, crisis of epistemic inefficacy, data-driven sciences, verification of historical data.

زوال تاریخ‌شناسی به مثابه رشته دانشگاهی

حسن حضرتی^۱

چکیده

تغییرات در جوامع انسانی سرعت زیادی به خود گرفته است. بخشی از این تغییرات و دگردیسی‌ها تابعی است از تحولات علمی که نتیجه تلاش‌های خردمندانه دانشمندان علوم گونه‌گون است. انسان‌های دنیای مدرن خود را شاید بیش از هر چیزی دیگری وامدار عالمان علوم می‌دانند که با اختراعات و اکتشافات علمی تغییرات شگفت‌انگیزی در زندگی آنان رقم زده‌اند و هم‌چنان می‌زنند؛ در کنار علوم تجربی، فنی و پایه، علوم انسانی نیز به تناسب تغییرات و تحولاتی که از زوایای مختلف در جوامع بشری رخ می‌دهد، دگرگونی‌هایی را در موضوعات و مسائل و روش‌های خود تجربه می‌کنند. دانش تاریخ نیز از این قاعده خارج نیست، اما پرسش اساسی که در این میان وجود دارد، این است که تا چه میزان مورخان خود و دانش‌شان را هماهنگ با تحولات پیش می‌برند؟ آیا تاریخ‌ورزان به تأثیرات تحولات اجتماعی در دانش خود عنایت دارند؟ آیا متناسب با این تغییرات، تدابیر لازم را برای جلوگیری از عقب‌افتادگی علمی اتخاذ می‌کنند؟ و این که اساساً در شرایط فعلی و در آینده نزدیک، از زاویه مسئله مورد نظر چه تهدیدهایی متوجه رشته تاریخ و تاریخ‌ورزان است؟ پاسخ این جستار به پرسش‌های بالا

^۱ . دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. hazrati@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۳۱- تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

منفی است و راقم این سطور تصور می‌کند غافلگیری بزرگی در انتظار تاریخ ورزان به‌عنوان صاحبان یک رشته علمی است. بحران ناکارآمدی معرفتی و انتقال مهارت راستی‌آزمایی داده‌ها به علوم فناوری، کارویژه دیرین و اصیل دانش تاریخ را از آن‌ها گرفته و به فناوران منتقل می‌کند. این جستار می‌کوشد چندی و چونی این تهدید بزرگ را نشان دهد و در پایان راهکاری برای خروج از این بحران ارائه کند.

واژه‌های کلیدی: دانش تاریخ، بحران ناکارآمدی معرفتی، علوم داده‌محور، راستی‌آزمایی داده‌های تاریخی.

۱. درآمد

موضوع دانش تاریخ رویدادهای مهم گذشته انسانی است (برای تفصیل بیشتر بنگرید به: حضرتی، ۱۴۰۴: ۱۴-۲۲). گذشته‌ای که در دسترس نیست و تنها با اسناد و مدارکی که به‌جا مانده، قابل بررسی و تبیین است. تا چند دهه پیش عموم منابع تاریخی را کتاب‌ها و مکتوبات باقی‌مانده تشکیل می‌دادند. از یک دوره‌ای به این طرف هم؛ برای مثال در تاریخ ایران از دوره تیموریان به این سو، اسناد دولتی و غیردولتی به‌عنوان منابع آرشیوی به منابع تاریخی اضافه شدند. البته در کنار این منابع مکتوب، مجموعه‌ای از منابع مادی (غیرمکتوب) مانند سکه، بنای تاریخی، اشیا و غیره هستند که مورخان از آن‌ها بهره می‌بردند، اما حجم بسیار کمی را در مقابل اسناد مکتوب تشکیل می‌دادند. سروکار مورخان بیشتر با منابع معرفتی مانند مکتوبات بود، اما در چند دهه اخیر به‌شدت منابع تاریخی دچار تغییر و تحولات اساسی شده است و گمان می‌رود تا چند دهه دیگر، تغییرات بیشتر و بنیادی‌تری را نیز شاهد باشیم؛ برخلاف چند دهه گذشته، اینک از رویدادهای مهمی که در جوامع انسانی اتفاق می‌افتد، بیش از آنکه متن مکتوب باقی بماند، عکس و فیلم به‌جاست. در ادارات دولتی و غیردولتی دیگر سند فیزیکی تولید نمی‌شود و هر آنچه ثبت و ضبط می‌شود و باقی می‌ماند، ذیل یک اتوماسیون اداری است که اسناد رقومی (دیجیتالی) را در درون خود نهفته دارد. انواع و اقسام نرم‌افزارهای کاربردی (اپلیکیشن‌ها) تشابه‌سازی صوت و تصویر طراحی شده است که وقتی تماشا می‌کنی، متوجه نمی‌شوی اویی که حرف می‌زند و تو صدا و سیمایش را

می‌بینی، فردی اصیل (اورجینال) است و یا ساختگی (فیک). عکس را در نمی‌یابی جعلی است و یا واقعی. صدا را متوجه نمی‌شوی انسانی است و یا ساخته هوش مصنوعی. چند دهه که بگذرد، منابع تاریخی دیگر روزنامه و کتاب و مجله نیست؛ هرچه هست دیجیتالی است. آن زمان است که مورخان درمی‌یابند تحولات فناورانه تا چه میزان زیادی کارکرد رشته‌ای و معرفتی آنان را با تهدید حیاتی روبه‌رو کرده است. به یک‌باره تاریخ‌ورزان با انبوهی از اسناد و مدارک نوظهوری روبه‌رو می‌شوند که هیچ‌توان، امکان، مهارت و دانش ارزیابی و شناسایی صحت و سقم داده‌های آن‌ها را ندارند. دانش تاریخ در دو سده اخیر همواره خود را یکی از بنیادی‌ترین اشکال تولید معرفت درباره انسان و جامعه دانسته است. تاریخ‌نگاری مدرن، به‌ویژه پس از قرن نوزدهم، بر این فرض استوار بود که مورخ می‌تواند با گردآوری اسناد، نقد منابع، مقایسه روایات و دیگر موارد تصویری معتبر و علمی از رویدادهای مهم گذشته انسانی ارائه کند. در این چهارچوب، مهم‌ترین وظیفه مورخ تبدیل داده‌های خام و پراکنده گذشته به داده‌های معتبر تاریخی بود؛ فرایندی که در مرکز آن «راستی‌آزمایی گزارش‌های تاریخی» قرار داشت، اما در دهه‌های اخیر، تحول شتابان فناوری و گسترش علوم تجربی و داده‌محور، موقعیت معرفتی تاریخ را دگرگون کرده است. امروز هنگامی که رویدادی مهم در جهان رخ می‌دهد، این مورخان نیستند که نخستین مرجع تشخیص حقیقت و اعتبار رویداد به‌شمار می‌روند، بل شبکه‌ای از فناوری‌ها، نهادهای رسانه‌ای، علوم آزمایشگاهی، سامانه‌های ماهواره‌ای، تحلیل‌گران داده و متخصصان جرم‌شناسی دیجیتال‌اند که درباره صحت و سقم رویدادها اظهار نظر می‌کنند؛ در چنین وضعیتی، تاریخ با نوعی بحران «کارآمدی علمی» مواجه شده است؛ بحرانی که نه تنها به حوزه نظریه‌های پست‌مدرن یا بحران روایت، بل به کاهش توان عملی و معرفتی مورخان در فرایند تولید داده‌های معتبر تاریخی مربوط می‌شود.

این جستار بر آن است که بحران کنونی تاریخ را به مثابه بحران «کارآمدی علمی» تحلیل کند و نشان دهد که برون‌رفت از این وضعیت مستلزم بازسازی تجربی و فناورانه دانش تاریخ است. استدلال اصلی این قلم آن است که مورخان، همانند آنچه پیش‌تر در رشته‌هایی چون جغرافیا و باستان‌شناسی رخ داده، ناگزیرند به‌سوی

مهارت‌های آزمایشگاهی، روش‌های داده‌محور و همکاری ساختاری با علوم تجربی حرکت کنند؛ در غیر این صورت، بخش مهمی از اقتدار معرفتی تاریخ به رشته‌ها و نهادهای دیگر منتقل خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه مسئله جستار حاضر در نگارش‌های فارسی و حتی غیرفارسی (در حد توانی که برای جست‌وجو از طریق گوگل و هوش مصنوعی وجود داشت)، آثار قابل اعتنایی در حوزه رشته و دانش تاریخ یافت نشد. نزدیک‌ترین پژوهش‌ها از حیث موضوعی، آثاری است که در نسبت دانش تاریخ و هوش مصنوعی نوشته شده است؛ مهم‌ترین این آثار، کتابی است از مارنی-هیوز وارینگتن با عنوان «*Artificial Historians*». نویسنده در پژوهش یادشده از نخستین پژوهشگرانی است که نسبت میان هوش مصنوعی و دانش تاریخ را نه از منظر فنی، بل از منظر فلسفه و نظریه تاریخ‌نگاری بررسی کرده است. مدعای اصلی او این است که هوش مصنوعی دیگر تنها ابزاری در خدمت مورخان نیست، بل خود به‌نوعی «مورخ مصنوعی» تبدیل شده است؛ زیرا با گردآوری، گزینش، طبقه‌بندی و بازنمایی داده‌های مربوط به گذشته، روایت‌هایی تولید می‌کند که در تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی نقش ایفا می‌کنند. از این منظر، مسئله اساسی آینده تاریخ نه امکان جایگزینی مورخان با هوش مصنوعی، بل ضرورت بازاندیشی در مفهوم تاریخ‌نگاری، اقتدار معرفتی، حافظه و مسئولیت اخلاقی در عصر الگوریتم‌هاست (Hughes-Warrington, 2026)، اما مسئله این جستار، باوجود شباهت‌ها، با مدعای هیوز-وارینگتن تفاوتی بنیادین دارد؛ دغدغه اصلی او تبیین پیامدهای معرفت‌شناختی و فلسفی ورود هوش مصنوعی به قلمرو تاریخ‌نگاری است؛ درحالی‌که این پژوهش از منظر دیگری به بحران دانش تاریخ می‌نگرد. مدعای این نوشتار آن است که تداوم جایگاه تاریخ به‌مثابه یک رشته علمی در گرو تحول روش‌شناختی آن و بهره‌گیری نظام‌مند از فناوری‌های نوین و روش‌های علوم تجربی است؛ ازجمله هوش مصنوعی، تحلیل کلان‌داده، سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی، سنجش‌ازدور، تحلیل‌های ژنتیکی، تاریخ‌گذاری علمی و دیگر ابزارهای آزمایشگاهی.

بنابراین، اگر هیوز-وارینگتن بر این پرسش تمرکز دارد که هوش مصنوعی چگونه در حال دگرگون‌ساختن مفهوم «مورخ» است، این پژوهش می‌پرسد که تاریخ به‌عنوان یک رشته دانشگاهی چگونه باید خود را به این فناوری‌ها مجهز کند تا از افول کارآمدی علمی و حاشیه‌نشینی معرفتی مصون بماند.

پیشینه پژوهش در این باره در ربط با رشته‌های دیگری مانند جغرافیا و باستان‌شناسی از غنای بیشتری برخوردار است، اما یکی از پژوهش‌هایی که در کنار باستان‌شناسی به تاریخ‌شناسی هم بذل توجه نشان داده، جستار زیر است: «*باستان‌شناسی تاریخی: علم و انسان‌گرایی*» (Adams, 1979: 417-430). این مقاله به بررسی نسبت میان روش‌های علمی و تفسیر انسانی در تاریخ و باستان‌شناسی می‌پردازد. نویسنده در واکنش به گسترش رویکردهای کمی و تجربی در باستان‌شناسی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م استدلال می‌کند که تاریخ و باستان‌شناسی نه می‌توانند تنها رشته‌هایی انسانی و مبتنی بر روایت باقی بمانند و نه باید به‌طور کامل به علوم طبیعی تقلیل یابند؛ او با نقد تاریخ‌نگاری توصیفی و غیرقابل آزمون از یک‌سو و پوزیتیویسم افراطی از سوی دیگر، مفهوم «انسان‌گرایی تجربی» را مطرح می‌کند؛ رویکردی که در آن داده‌های تجربی، روش‌های نظام‌مند، فرضیه‌سازی و آزمون علمی با تحلیل فرهنگی و فهم معنای انسانی ترکیب می‌شوند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که آینده تاریخ و باستان‌شناسی در توسعه روش‌های میان‌رشته‌ای و بهره‌گیری هم‌زمان از شواهد علمی و تفسیر انسانی است.

۳. تاریخ به‌مثابه دانش اعتبارسنجی رویدادهای مهم گذشته انسانی مبتنی بر توصیف فربه از آغاز تاریخ‌نگاری نوین (مدرن)، مسئله بنیادین مورخان همواره تشخیص اعتبار گزارش‌ها و تمایز میان روایت‌های درست و نادرست بوده است. تاریخ‌نگاری مدرن در بنیاد بر این استوار بود که مورخ باید گذشته را «آن‌گونه که واقعاً بوده» (Ranke, 1909: Preface) بازسازی کند؛ هرچند این آرمان بعدها با انتقادهای فراوان مواجه شد، اما همچنان به‌عنوان هسته اصلی کار مورخان باقی ماند. به فهم نگارنده این‌طور، تبدیل انبوهی از داده‌های نامعتبر و نامطمئن به معرفتی معتبر درباره رویدادهای مهم

۱. برای شرح مفید درباره این جمله رانکه بنگرید به مقاله آندریاس بولت در: (رانکه، ۱۴۰۲: ۷۲-۷۵)

گذشته انسانی، مهم‌ترین رسالت و وظیفه علمی هر مورخی با هر نوع گرایش فکری و نظری سنتی و مدرن است.^۱ مورخ برای انجام این وظیفه به توصیف عمیق و گسترده روی می‌آورد و از ابزارهایی چون نقد سند، مقایسه روایت‌ها، تحلیل زبان، بررسی زمینه سیاسی و اجتماعی و ارزیابی جایگاه راوی استفاده می‌کند؛ درواقع، تاریخ‌نگاری کهن و امروزی نوعی فناوری معرفتی برای سنجش اعتبار روایت‌ها بود. اقتدار مورخ نیز از همین توانایی ناشی می‌شد و در حال حاضر نیز می‌شود. تا پیش از عصر دیجیتال، این اقتدار کمتر به چالش کشیده می‌شد؛ زیرا دسترسی به اسناد محدود بود و بخش مهمی از فرایند اعتبارسنجی در انحصار مورخان قرار داشت، اما تحول فناوری این انحصار را از میان برده است. اکنون اعتبارسنجی رویدادها به‌طور فزاینده‌ای از حوزه سنتی دانش تاریخ خارج شده و به شبکه‌ای میان‌رشته‌ای و فناورانه منتقل شده است.

۴. بحران کارآمدی علمی در دانش تاریخ

پیش از هر چیز باید روشن کرد که مقصود از «کارآمدی علمی» چیست. مقصود از این مفهوم تنها کاربرد اجتماعی یا محبوبیت عمومی یک رشته نیست، بل توانایی آن رشته در تولید داده‌های معتبر، قابل ارزیابی و قابل استفاده برای شناخت واقعیت است. در علوم طبیعی، کارآمدی علمی به‌طور معمول از طریق توان پیش‌بینی، آزمون‌پذیری، و بازتولیدپذیری سنجیده می‌شود. در علوم انسانی، به‌ویژه تاریخ‌شناسی، وضعیت پیچیده‌تر است؛ زیرا موضوع دانش تاریخ نه پدیده‌های تکرارپذیر طبیعی، بل تجربه انسانی در زمان ماضی است؛ با این حال، تاریخ‌شناسی نیز همواره مدعی نوعی اعتبار معرفتی بوده است؛ مورخان ادعا می‌کردند که می‌توانند از میان روایت‌های متعارض، گزارشی معتبرتر از گذشته ارائه دهند؛ بنابراین، کارآمدی علمی تاریخ را می‌توان در توانایی آن برای تبدیل داده‌های

۱. برای تفصیل بیشتر بنگرید: (حضرتی، ۱۳۹۹: ۶۹-۸۷؛ حضرتی، ۱۴۰۱: ۱۱۷-۱۳۵)

برای ایده طرح‌شده در دو مقاله بالا نقدهایی نوشته و منتشر شده است، از جمله: (عباسی و ملک‌شاهی، ۱۴۰۱: ۲۲۰-۱۸۳؛ قنبری و ورفی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۲۲۱-۲۴۰)

در قالب نشست‌های علمی و نیز یادداشت‌های تلگرامی، به ایده مورد نظر واکنش‌هایی در موافقت یا مخالفت نشان داده شده است. به طور مشخص در دو نشانی زیر قابل دریافت است:

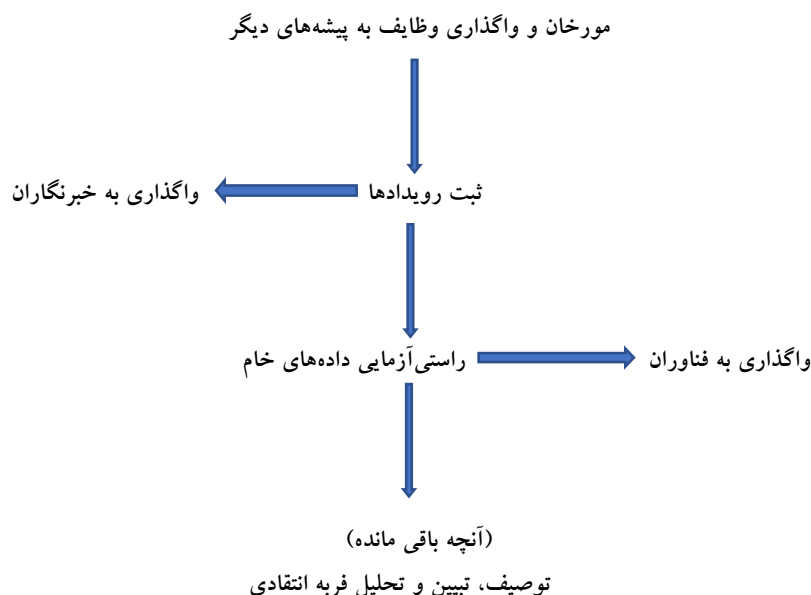
- T.me/HassanHazrati50/28
- T.me/mardomnameh/10712

خام، پراکنده و متعارض گذشته به دانشی معتبر تعریف کرد. این اعتبار نه تنها اخلاقی یا ادبی، بل معرفتی است؛ هنگامی که مورخی درباره وقوع یک جنگ، انگیزه یک کنشگر سیاسی، یا ساختار اقتصادی یک دوره تاریخی سخن می‌گوید، به‌طور ضمنی این ادعا را دارد که روایت او نسبت به روایت‌های رقیب از درجه بالاتری از اعتبار برخوردار است، اما مشکل اساسی آن است که ابزارهای سنتی تاریخ‌نگاری برای حفظ این اقتدار دیگر کافی به‌نظر نمی‌رسند. اگر در گذشته مورخ مهم‌ترین مرجع ارزیابی اسناد بود، امروز فناوری و علوم داده بخش عمده‌ای از این نقش را برعهده گرفته‌اند؛ برای نمونه، در گذشته تشخیص جعلی بودن یک سند به‌طور عمده به مهارت‌های لغت‌شناسی و متن‌دانی مورخ وابسته بود، اما امروزه آزمایش‌های شیمیایی، تحلیل جوهر، تصویربرداری چندطیفی و روش‌های دیجیتال می‌توانند با دقتی بسیار بیشتر درباره اصالت سند اظهار نظر کنند. به‌همین ترتیب، درباره عکس‌ها، ویدئوها، یا حتی روایت‌های شفاهی نیز فناوری‌های جدید نقش تعیین‌کننده یافته‌اند؛ این وضعیت نشان می‌دهد که تاریخ در حال از دست دادن بخشی از کارکرد سنتی خود است؛ نه به این دلیل که گذشته اهمیت خود را از دست داده است، بل ابزارهای تولید روایت معتبر درباره گذشته تغییر کرده‌اند.

بخش عمده مباحث مربوط به بحران تاریخ در دهه‌های گذشته حول موضوعاتی چون بحران روایت، نسبی‌گرایی معرفتی، یا تأثیر قدرت و ایدئولوژی بر تاریخ‌نگاری شکل گرفته است، اما بحران اصلی تاریخ در عصر کنونی را باید در سطح دیگری جست‌وجو کرد: کاهش کارآمدی علمی مورخان در تولید و اعتبارسنجی حقیقت تاریخی. در جهان معاصر، هنگامی که جنگی رخ می‌دهد، وقوع یک کشتار ادعا می‌شود، یا یک حادثه سیاسی جهانی اتفاق می‌افتد، مورخان به‌طور معمول دیگر نقش مستقیمی در تعیین اصالت و ابعاد آن ندارند. تصاویر ماهواره‌ای، تحلیل داده‌های دیجیتال، سیستم‌های مکان‌یابی، تحلیل ویدئویی، هوش مصنوعی، پزشکی قانونی و تحلیل گران اوسینت^۱ نقش اصلی را برعهده گرفته‌اند؛ برای مثال، در بسیاری از بحران‌های بین‌المللی اخیر، از جنگ اوکراین، جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران تا منازعات

۱. OSINT کوتاه‌نوشته Open Source Intelligence به معنای «اطلاعات حاصل از منابع آشکار» است؛ منظور از آن گردآوری و توصیف و تبیین اطلاعاتی است که به‌صورت عمومی و قانونی در دسترس‌اند: مانند وبسایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی، روزنامه‌ها و رسانه‌ها، تصاویر ماهواره‌ای، پایگاه‌های داده عمومی، اسناد دولتی منتشرشده، آرشیوهای اینترنتی و غیره.

خاورمیانه، این شبکه‌های تحلیل داده و فناوری بودند که مکان بمباران‌ها، نوع تسلیحات، مسیر حرکت نیروها و حتی زمان وقوع رویدادها را مشخص کردند؛ مورخان به‌طور معمول پس از تثبیت این داده‌ها وارد میدان می‌شوند تا درباره معنای تاریخی یا پیامدهای رویداد سخن بگویند. این تحول نشان می‌دهد که تاریخ دیگر تنها مرجع تولید روایت معتبر درباره گذشته نیست. بخش مهمی از وظایف سستی مورخان اکنون به‌وسیله علوم داده، فناوری دیجیتال و علوم تجربی انجام می‌شود. از این منظر، بحران دانش تاریخ نه بحران «وجود» بل بحران «کارکرد» است. تاریخ هم‌چنان وجود دارد، اما نقش مرکزی خود را در فرایند اعتبارسنجی رویدادهای گذشته انسانی از دست داده است.



۱. مورخان در گذر زمان، بخشی از وظایف خود را به صنف‌های دیگر که عموماً تازه‌تأسیس بوده‌اند، واگذار کرده و می‌کنند. در دوره قدیم، وقایع‌نگاری (به معنای ثبت و ضبط رویدادها) از وظایف مورخان و عالمان علم اخبار نیز به‌شمار می‌رفت؛ مورخان بزرگی مانند ابوالفضل بیهقی، عطاملک جوینی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، شرف‌الدین علی یزدی، در کنار تاریخ‌نگاری، در جایگاه شاهد عینی رویدادهای زمانه خود، به وقایع‌نگاری نیز پرداخته‌اند، اما مورخان اینک در دوره مدرن این وظیفه را به صنف دیگری به‌نام خبرنگاران وا نهاده‌اند؛ برای شرح بیشتر، بنگرید به یادداشت «خبرنگاران امروز وقایع‌نگاران دیروز» (حضرتی، ۱۳۹۹/۰۱/۱۵: کانال تلگرام تاریخ‌شناسی) و کتاب روش پژوهش در تاریخ‌شناسی (حضرتی، ۱۴۰۴: ۲۲-۲۵)

۵. انتقال اقتدار معرفتی از مورخ به فناوری

تحول فناوری موجب گذار تدریجی اقتدار معرفتی از مورخان به سامانه‌های فناورانه و علوم تجربی شده است. این گذار را می‌توان در چند سطح مشاهده کرد؛ در گذشته، مورخان برای بازسازی رویدادها به‌طور عمده به متون و روایت‌ها وابسته بودند، اما امروز تصاویر ماهواره‌ای، نقشه‌برداری دیجیتال و تصویربرداری حرارتی می‌توانند آگاهی‌هایی خیلی دقیق‌تر از بسیاری گزارش‌های انسانی، ارائه کنند؛ امروزه تعیین زمان مرگ، علت مرگ، منشأ استخوان‌ها، یا حتی مسیر مهاجرت جمعیت‌ها با استفاده از DNA، ایزوتوپ‌شناسی^۱ و روش‌های آزمایشگاهی انجام می‌شود. این فرایندها به‌طور مستقیم با مسئله اعتبار تاریخی مرتبط‌اند، یا هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده‌ها قادرند الگوهایی را آشکار کنند که از چشم مورخان محافظه‌کار پنهان می‌ماند. تحلیل میلیون‌ها سند، شبکه‌های ارتباطی، یا تغییرات زبانی اکنون با سرعتی فراتر از توان انسانی انجام می‌شود. بخش بزرگی از فرایند راستی‌آزمایی اکنون توسط روزنامه‌نگاران داده‌محور و نهادهای fact-checking^۲ صورت می‌گیرد؛ در نتیجه، حوزه‌ای که زمانی بخشی از قلمرو سنتی مورخان بود، به تدریج در اختیار نهادهای دیگر قرار گرفته است.

۶. تجربه دانش جغرافیا

تحول دانش جغرافیا نمونه‌ای مهم برای فهم مسیر احتمالی رشته تاریخ است. جغرافی کلاسیک به‌طور عمده مبتنی بر شناخت محیط و سرزمین‌ها بر اساس متون و نگارش‌های

۱. Isotope studies، شاخه‌ای از مطالعات علمی است که به بررسی ایزوتوپ‌ها و کاربردهای آن‌ها می‌پردازد. ایزوتوپ‌ها گونه‌های مختلف یک عنصر شیمیایی‌اند که تعداد پروتون‌هایشان یکسان است، اما تعداد نوترون‌هایشان متفاوت است. دانشمندان با بررسی ایزوتوپ‌ها می‌توانند آگاهی‌های مهمی درباره سن مواد، منشأ اشیاء، تغییرات اقلیمی، رژیم غذایی انسان‌های گذشته، مهاجرت و فرایندهای زمین‌شناختی به دست آورند؛ مشهورترین نمونه، تاریخ‌گذاری با کربن ۱۴ است که برای تعیین قدمت آثار آلی به کار می‌رود؛ از طریق توصیف فربه ایزوتوپی استخوان، دندان یا فلزات می‌توان فهمید افراد در چه منطقه‌ای زندگی می‌کردند، چه غذایی می‌خوردند، یا مواد اولیه یک شی از کجا آمده است.

۲. برای نمونه بنگرید به پست‌های کانال فکت‌نامه در تلگرام که مسائل مربوط به ایران را راستی‌آزمایی و ارائه می‌کند.

جغرافیایی بود. جغرافی دانان سستی به توصیف و تبیین متن محور رودخانه‌ها، کوه‌ها، اقلیم‌ها و جوامع انسانی می‌پرداختند، اما این رشته در نیمه دوم قرن بیستم وارد مرحله‌ای تازه شد. ورود فناوری‌هایی چون GIS^۱، سنجش از دور^۲، GPS^۳ و مدل‌سازی فضایی موجب شد جغرافیا به دانشی تجربی و داده‌محور تبدیل شود. این تحول نه تنها ابزارهای جغرافیا بل هویت آن را نیز دگرگون کرد. امروزه جغرافی دان نه فقط توصیف‌گر متن محور مکان و فضا بل توصیف‌گر و تحلیل‌گر داده‌های پیچیده فضایی است. او با تصاویر ماهواره‌ای، الگوریتم‌های مدل‌سازی و کلان‌داده‌های مکانی به تولید علم می‌پردازد و کارویژه‌های معرفتی برای خود دست‌وپا کرده است تا از تهدید زوال رشته‌ای بگریزد. نکته مهم آن است که جغرافیا با پذیرش فناوری نه تنها هویت خود را از دست نداد، بل اقتدار علمی و اجتماعی بیشتری پیدا کرد. امروزه در حوزه‌هایی چون مدیریت بحران، امنیت، برنامه‌ریزی شهری، تغییرات اقلیمی و حتی جنگ، دانش جغرافیا نقشی حیاتی بازی می‌کند.

۷. تجربه باستان‌شناسی

تحول باستان‌شناسی حتی از دانش جغرافیا نیز برای تاریخ‌شناسی آموزنده‌تر است. باستان‌شناسی تا اوایل قرن بیستم به‌طور عمده به گردآوری اشیاء و توصیف آثار مبنی بر

۱. کوتاه‌نوشته Geographic Information System/Systems؛ یعنی «سامانه اطلاعات جغرافیایی»؛ مجموعه‌ای از ابزارها و روش‌ها برای ذخیره، توصیف، تحلیل، مدیریت و نمایش داده‌های مکانی و جغرافیایی است. با این سامانه می‌توان نقشه‌های جمعیتی ساخت، مسیرهای حمل‌ونقل را توصیف و تحلیل کرد، تغییرات اقلیمی را بررسیید، منابع آب و کشاورزی را مدیریت کرد، داده‌های تاریخی و باستان‌شناختی را روی نقشه توصیف و تحلیل کرد و سایر موارد.

۲. ترجمه اصطلاح انگلیسی Remote Sensing است. منظور از آن جمع‌آوری اطلاعات درباره یک پدیده، شی یا منطقه بدون تماس مستقیم فیزیکی با آن است؛ این کار به‌طور معمول با استفاده از ابزارهایی مانند ماهواره‌ها، هواپیماها، پهپادها، دوربین‌ها و حسگرهای ویژه انجام می‌شود. در علوم تاریخی و باستان‌شناسی، سنجش از دور باعث شده است آثار مدفون، مسیرهای باستانی و تاریخی و تغییرات محیطی گذشته بدون حفاری مستقیم شناسایی شوند.

۳. کوتاه‌نوشته Global Positioning System به معنای «سامانه موقعیت‌یاب جهانی» است. این سامانه با استفاده از ماهواره‌ها موقعیت دقیق جغرافیایی افراد، خودروها، تلفن‌های همراه و دیگر دستگاه‌ها را تضمین می‌کند. این سامانه کاربردهای دیگری نیز در حوزه‌های مختلفی مانند نقشه و ناوبری، حمل‌ونقل دریایی و هوایی، عملیات نظامی، ورزش و طبیعت‌گردی، نقشه‌برداری، ردیابی و سایر موارد پیدا کرده است.

متون تاریخی و حفاری‌های سنتی محدود بود، اما به تدریج با علوم طبیعی پیوند خورد و به رشته‌ای آزمایشگاه‌محور تبدیل شد. امروزه بسیاری از مهم‌ترین کشفیات باستان‌شناسی نه در حفاری‌ها بل در آزمایشگاه‌ها رخ می‌دهد. تحلیل DNA^۱ باستانی، سن‌سنجی رادیوکربن، ایزوتوپ‌شناسی، توصیف و تحلیل رسوبات و فناوری‌های تصویربرداری امکان بازسازی دقیق‌تری از گذشته را فراهم کرده‌اند؛ برای نمونه، بسیاری از فرضیه‌های قدیمی درباره مهاجرت اقوام هندواروپایی، فروپاشی تمدن‌ها یا منشأ جمعیت‌های باستانی از طریق ژنتیک و علوم آزمایشگاهی بازنگری شده‌اند. در اینجا اقتدار معرفتی نه تنها از متن بل از داده‌های تجربی نیز ناشی می‌شود.^۲

۸. تاریخ‌نگاری پسامدرن و تضعیف ایده اعتبار شناخت تاریخی

یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه تاریخ در قرن بیستم میلادی با ظهور اندیشمندانی مانند جان لیوتار، میشل فوکو، ژاک دریدا، هیدن وایت مسئله اعتبار معرفت تاریخی بود. در سنت اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) قرن نوزدهم، تصور غالب آن بود که گذشته واقعی

۱. کوتاه‌نوشته Deoxyribonucleic Acid است. اسید دئوکسی‌ریبوکلئیک ماده اصلی حامل اطلاعات ژنتیکی در موجودات زنده است و تعیین می‌کند که ویژگی‌های زیستی هر موجود چگونه است؛ مانند رنگ چشم، ساختار بدن، برخی بیماری‌های ارثی و بسیاری ویژگی‌های دیگر. امروزه DNA در زمینه پزشکی و ژنتیک، پزشکی قانونی، آزمایش‌های نسب و تبارشناسی، باستان‌شناسی زیستی، زیست‌فناوری و مهندسی ژنتیک، جمعیت‌شناسی تاریخی و موارد دیگر کاربرد بسیار دارد.

۲. کتاب باستان‌سنجی: درآمدی بر روش‌های فیزیکی در باستان‌شناسی و تاریخ هنر از مهم‌ترین آثار کلاسیک در حوزه باستان‌سنجی است که به بررسی ورود روش‌های علوم تجربی، به‌ویژه فیزیک و شیمی، به مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی می‌پردازد. نویسنده نشان می‌دهد که تاریخ و باستان‌شناسی دیگر نمی‌توانند تنها بر روایت‌های متنی، شباهت‌های سبکی و تفسیرهای ذهنی تکیه کنند، بلکه باید از داده‌های آزمایشگاهی و روش‌های اندازه‌گیری‌پذیر برای تحلیل گذشته استفاده شود. کتاب به‌صورت نظام‌مند روش‌هایی چون کربن ۱۴، ترمولومینسانس، مغناطیس‌سنجی، مقاومت‌سنجی الکتریکی، طیف‌سنجی و تحلیل شیمیایی مواد را توضیح می‌دهد و کاربرد آن‌ها را در سنیابی آثار، تشخیص منشأ اشیاء، شناسایی محوطه‌های مدفون و بررسی تجارت و فناوری در جوامع باستانی نشان می‌دهد. نویسنده استدلال می‌کند که این روش‌ها موجب تبدیل تاریخ و باستان‌شناسی از رشته‌هایی صرفاً توصیفی به حوزه‌هایی داده‌محور و میان‌رشته‌ای شده‌اند؛ هرچند تأکید می‌کند که داده‌های علمی به‌تنهایی کافی نیستند و همچنان نیاز به تفسیر تاریخی و انسانی وجود دارد (Leute, 1987).

عینی دارد و مورخ می‌تواند با روش‌های علمی آن را بازسازی کند، اما در نیمه دوم قرن بیستم این دیدگاه به شدت مورد نقد قرار گرفت. اندیشمندان پسامدرن نشان دادند که تاریخ‌نگاری همواره درون زبان، قدرت و ساختارهای روایی شکل می‌گیرد؛ به‌ویژه هیدن وایت استدلال کرد که روایت تاریخی از نظر ساختار ادبی تفاوت بنیادینی با روایت داستانی ندارد (White, 1987)؛ این رویکردها گرچه افق‌های مهمی گشودند، اما پیامدهایی نیز داشتند؛ هنگامی که معرفت تاریخی بیش از حد نسبی یا روایی تلقی شود، اعتبار دانش تاریخ تضعیف می‌شود؛ در چنین شرایطی، علوم داده و فناوری که توانایی بیشتری در تولید داده‌های عینی دارند، به تدریج جایگاه مسلط‌تری پیدا می‌کنند. در اصل، تاریخ‌نگاری پسامدرن خواسته و یا ناخواسته نوعی خلأ معرفتی ایجاد کرد؛ خلأیی که فناوری‌های نوین آن را پر کردند. اگر حقیقت تنها روایت باشد، چرا جامعه باید به مورخ بیش از توصیف و تحلیل‌گر داده اعتماد کند؟ این پرسش اکنون بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است، به‌ویژه در عصر هوش مصنوعی که تولید، تحلیل و راستی‌آزمایی داده‌ها با سرعتی بی‌سابقه انجام می‌شود.

۹. ضرورت بازسازی تجربی دانش تاریخ

اگر تاریخ‌شناسی بخواهد در عصر فناوری هم‌چنان دانشی مؤثر و معتبر باقی بماند، ناگزیر است زیرساخت معرفتی و آموزشی خود را بازسازی کند؛ این بازسازی به معنای تبدیل کامل دانش تاریخ به فیزیک یا شیمی نیست، بل به معنای گسترش توانایی مورخان در کار با داده‌های تجربی، فناوری و روش‌های میان‌رشته‌ای است. مورخ آینده باید افزون‌بر مهارت‌های سنتی با حوزه‌هایی چون تحلیل داده، هوش مصنوعی، آرشیو دیجیتال، روش‌های آماری، علوم آزمایشگاهی پایه، جغرافیای دیجیتال، تحلیل شبکه، فناوری‌های تصویری، جرم‌شناسی دیجیتال آشنا باشد؛ نیز تاریخ‌شناسی باید به‌جای فردگرایی سنتی، بیشتر به‌سوی پروژه‌های تیمی و آزمایشگاهی حرکت کند؛ مشابه آنچه در علوم طبیعی یا باستان‌شناسی رایج است. ممکن است در آینده مراکز پژوهش تاریخی دارای آزمایشگاه‌های تحلیل داده، واحدهای GIS، یا گروه‌های تحلیل تصویری باشند؛ این تحول نه امری تجملی، بل شرط بقای اقتدار علمی تاریخ خواهد بود.

۱۰. تمایز تاریخ‌شناسی از علوم داده

با وجود همه این تحولات، نباید تاریخ را تنها به تحلیل داده فروکاست. علوم تجربی و فناوری می‌توانند درباره وقوع یک رویداد یا ویژگی‌های مادی آن آگاهی‌های دقیقی ارائه کنند، اما فهم معنای تاریخی هم‌چنان نیازمند تاریخ‌نگاری است؛ برای نمونه، تصاویر ماهواره‌ای می‌توانند وقوع یک حمله را نشان دهند؛ DNA می‌تواند مهاجرت جمعیت‌ها را اثبات کند؛ تحلیل داده می‌تواند شبکه ارتباطی کنشگران را آشکار سازد، اما پرسش‌هایی مانند چرا انسان‌ها دست به جنگ می‌زنند؟ چگونه حافظه جمعی ساخته می‌شود؟ مشروعیت سیاسی چگونه شکل می‌گیرد؟ دین، ایدئولوژی یا فرهنگ چگونه بر کنش تاریخی اثر می‌گذارند؟ هم‌چنان در قلمرو دانش تاریخ و علوم انسانی باقی می‌مانند؛ بنابراین مسئله اصلی، حذف تاریخ یا جایگزینی آن با فناوری نیست، بل عبور از خودبستگی روش‌شناختی تاریخ است. تاریخ‌شناسی در آینده به احتمال دانشی خواهد بود که در آن توصیف و تبیین فریه انسانی و داده تجربی به صورت هم‌زمان عمل می‌کنند. تحولات جدید مستلزم بازتعریف هویت حرفه‌ای مورخ نیز هست. مورخ محافظه‌کار به طور عمده پژوهشگری متن‌محور است که در آرشیوها و کتابخانه‌ها کار می‌کرد، اما مورخ نوگرا به احتمال باید در محیطی میان‌رشته‌ای فعالیت کند؛ محیطی که در آن همکاری با متخصصان داده، جغرافی‌دانان، زیست‌شناسان، برنامه‌نویسان و تحلیل‌گران دیجیتال امری عادی باشد. این تحول همچنین آموزش دانشگاهی تاریخ را دگرگون خواهد کرد. در بسیاری از دانشگاه‌ها، آموزش تاریخ هم‌چنان بر حفظ متون و روایت‌های سیاسی استوار است، اما اگر تاریخ بخواند در جهان آینده نقش مؤثری ایفا کند، برنامه‌های درسی آن باید دگرگون شوند؛ دانشجوی تاریخ باید علاوه بر نظریه و روش‌شناسی سنتی، مهارت‌های فناورانه و تجربی نیز بیاموزد. شاید همان‌گونه که جغرافیا بدون GIS قابل تصور نیست، تاریخ‌شناسی آینده نیز بدون تحلیل داده و فناوری دیجیتال ممکن نباشد.

۱۱. هوش مصنوعی و آینده تاریخ‌شناسی

هوش مصنوعی ظهور مرحله‌ای تازه در بحران و درعین حال امکان‌های تاریخ‌نگاری

ایجاد کرده است. این فناوری جدید می‌تواند میلیون‌ها صفحه سند را توصیف و تحلیل کند، الگوهای پنهان را بیابد، شبکه‌های ارتباطی را بازسازی و حتی روایت‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کند. این تحول می‌تواند به کاهش بیشتر نقش مورخ محافظه‌کار بینجامد، اما هم‌زمان فرصتی تازه نیز فراهم می‌کند؛ مورخی که بتواند از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده کند، ظرفیت بسیار بیشتری برای تحلیل داده‌های بی‌شمار تاریخی خواهد داشت. مارنی هیوز-وارینگتن از این دست مورخان به‌عنوان «مورخان مصنوعی» یاد می‌کند؛ او در اثر بسیار مهمی که به‌همین نام روانه بازار نشر کرده است، استدلال می‌کند که هوش مصنوعی دیگر تنها ابزاری برای تحلیل داده‌های تاریخی نیست، بل خود به مورخی مصنوعی تبدیل شده است؛ زیرا هر روز از طریق گردآوری، گزینش، سازمان‌دهی و تفسیر ردپاهای دیجیتال انسان، روایت‌هایی از گذشته تولید می‌کند که بر تصمیم‌گیری درباره آموزش، سلامت، عدالت، مصرف و زندگی اجتماعی اثر می‌گذارند. پیام اصلی نویسنده این است که آینده هوش مصنوعی تنها مسئله‌ای فنی یا اخلاقی نیست؛ بل مسئله‌ای تاریخ‌نگارانه نیز هست. اگر مورخان در طراحی و نقد سامانه‌های هوش مصنوعی مشارکت نکنند و حتی مواجهه‌ای انتقادی با آن نداشته باشند، روایت‌های آینده جهان به‌طور عمده به‌وسیله الگوریتم‌هایی ساخته خواهد شد که منطق انتخاب و استدلال‌شان برای جامعه شفاف نیست (Hughes-Warrington, 2026: chapter 1, 3,9).

شاید در آینده، پژوهش تاریخی بیش از آنکه مبتنی بر مطالعه فردی در آرشیو باشد، مبتنی بر همکاری تیم‌های میان‌رشته‌ای باشد؛ تیم‌هایی متشکل از مورخان، متخصصان داده، برنامه‌نویسان، جغرافی‌دانان و تحلیل‌گران دیجیتال؛ در چنین جهانی، مورخ آینده نه تنها راوی گذشته، بل مدیر و مفسر سامانه‌های پیچیده داده‌های تاریخی نیز خواهد بود.

۱۲. نتیجه‌گیری

دانش تاریخ در ربع نخست قرن بیست‌ویکم با بحرانی عمیق روبه‌روست؛ بحرانی که بیش از آنکه به مسئله روایت یا ایدئولوژی مربوط باشد (موضوعی که پسامدرن‌ها در نفی علمیت معرفت تاریخی بدان تأکید می‌کردند و می‌کنند)، به کاهش کارآمدی علمی مورخان

در فرایند تولید روایت معتبر تاریخی مربوط می‌شود. فناوری‌های نوین، علوم داده، پزشکی قانونی، تحلیل دیجیتال و روش‌های آزمایشگاهی بخش مهمی از وظایفی را که زمانی در قلمرو سنتی مورخان قرار داشت، برعهده گرفته‌اند؛ در نتیجه، اقتدار معرفتی تاریخ به تدریج در حال انتقال به رشته‌ها و نهادهای دیگر است. مقایسه تاریخ‌شناسی با تحول جغرافیا و باستان‌شناسی نشان می‌دهد رشته‌هایی که توانسته‌اند خود را با فناوری و علوم تجربی پیوند دهند، نه تنها بقای علمی خود را حفظ کرده‌اند، بل اقتدار و کارآمدی بیشتری نیز به دست آورده‌اند. بر این اساس، آینده دانش تاریخ در گرو نوعی بازسازی تجربی و فناورانه است. مورخان باید تنبلی و محافظه‌کاری را کنار بگذارند و روی بیاورند به مطالعات آزمایشگاهی/ بالینی/ تجربی در تاریخ. راهی که در دنیا عالمان علمی مانند باستان‌شناسی و این اواخر جغرافیا رفته‌اند. گویا گریزی از آن هم نیست. تحول در منابع تاریخی بدون تردید تحول در راه‌های آزمون و بررسی و ارزیابی آن‌ها را نیز به دنبال دارد؛ باید آزمایشگاه تاریخ‌شناسی تأسیس کرد و در آنجا یاد گرفت و یاد داد که چگونه عکس تاریخی اصل را از جعل تشخیص بدهیم؛ فیلم معتبر را از فیلم مونتاژ شناسایی کنیم؛ اتوماسیون را باز کنیم و اسناد دیجیتالی را ردیابی کرده و واقعی و ساختگی را از هم جدا سازیم. باید یاد بگیریم به کمک دستگاه‌هایی، صداها و سیمای ساختگی را جای صدا و تصویرهای واقعی قرار ندهیم.

مورخان پیش‌تر این کارها را در خط‌شناسی، کاغذشناسی، مهرشناسی و دیگر موارد به صورت محدود انجام می‌دادند، اما حالا باید بخش زیادی از پژوهش‌های تاریخی در حوزه‌های تاریخ اکنون، تاریخ جاری، تاریخ شفاهی و سایر حوزه‌ها در آزمایشگاه‌های تاریخ‌شناسی انجام شود تا نتایج معتبر به دست آید. دیگر بهتر است به جای history از historiology سخن بگوییم و تاریخ را به عنوان دانش تجربی بشناسانیم. بدون تردید این

۱. این اصطلاح به طور دقیق در سنت اسپانیایی و آلمانی برای فاصله گرفتن از صرف روایت تاریخ و نزدیک شدن به «توصیف و تبیین علمی تاریخ» به کار می‌رود. (بنگرید: Merriam-Webster: Historiology)
خوزه ارتگا ئی گاست (۱۸۸۳-۱۹۵۵م)، فیلسوف و تاریخ‌ورز اسپانیایی، از نخستین اندیشمندانی بود که مفهوم historiology را به معنای «نظریه علمی تاریخ» به کار برد. (بنگرید: Gasset, 1941)
این اثر با مشخصات زیر به فارسی برگردان شده است:
- تاریخ به مثابه نظام؛ معرفی بنیانی نو برای معرفت تاریخی، ترجمه رضا وسمه‌گر، تهران: آگاه، ۱۴۰۳.

حرف به معنای رفتن به سمت پوزیتیویسم نیست. طبیعی است که حساب رویکردهای تجربی از رویکردهای اثبات‌گرایانه جداست، اما شکی نیست که وجوه مثبت پوزیتیویسم را نیز در دل خود دارد. مفاهیم ترکیبی Laboratory history و یا Clinical history مفاهیمی نیستند که در نزد مورخان اروپایی و آمریکایی نیز زیاد استفاده شده باشد، اما به فهم این قلم به‌زودی بسامد زیادی در نوشته‌های آکادمیک تاریخ‌شناسی پیدا خواهد کرد. تا دیر نشده که البته الان هم شده، باید برخاست، مقدمات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری این چرخش بنیادی را در مطالعات تاریخی فراهم کرد، برنامه و نظام آموزش تاریخ را در این مسیر ریل‌گذاری کرد، نیروی انسانی ماهر و متخصص تربیت کرد و ده‌ها کار دیگر تا شغل مان به فنا نرود و نان مان آجر نشود. به‌زودی شاهد مرگ تاریخ‌شناسی به‌مثابه رشته دانشگاهی خواهیم بود؛ اگر به‌سمت مهارت‌های فناورانه در تبدیل داده‌های خام به داده‌های معتبر به‌منظور راستی‌آزمایی پیش نرویم. مورخان باید از انحصار روش‌های صرف متنی خارج شوند و به‌سوی همکاری میان‌رشته‌ای، مهارت‌های داده‌محور و حتی زیرساخت‌های آزمایشگاهی حرکت کنند. البته این تحول به معنای حذف وجه توصیف و تبیین انتقادی دانش تاریخ نیست. تاریخ‌شناسی همچنان دانشی انسانی باقی خواهد ماند؛ زیرا فهم معنا، حافظه، فرهنگ و تجربه انسانی را نمی‌توان به داده‌های خام فروکاست، اما تاریخ‌شناسی برای حفظ جایگاه معرفتی خود ناگزیر است پیوندی تازه میان توصیف فربه و تفسیر انسانی و روش‌های تجربی برقرار کند.

فهرست منابع

- حضرتی، حسن (۱۳۹۹)، «در باب مهم‌ترین وظیفه رشته‌ای مورخان»، دوفصلنامه علمی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، سال ۳۰ (دوره جدید)، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۱، پاییز و زمستان، صص ۶۹-۸۷.
- حضرتی، حسن (۱۴۰۱)، «توصیف فربه، مهم‌ترین مسئولیت علمی مورخان از قدیم تا جدید»، دوفصلنامه علمی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، سال ۳۲ (دوره جدید)، شماره ۳۰، پیاپی ۱۱۵، پاییز و زمستان، صص ۱۳۵-۱۱۷.
- حضرتی، حسن (۱۴۰۴)، روش پژوهش در تاریخ‌شناسی (با تجدید نظر و اضافات)، ویراست سوم، تهران: نشر لوگوس.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۹/۰۱/۱۵)، «خبرنگاران امروز وقایع‌نگاران دیروز»، کانال تلگرامی تاریخ‌شناسی، بازیابی شده از پیوند: <https://t.me/HassanHazrati50/12>
- حضرتی، حسن (۱۳۹۹/۰۴/۳۰)، «به سوی تاریخ‌شناسی آزمایشگاهی»، کانال تلگرامی تاریخ‌شناسی،

- بازیابی شده از پیوند: <https://t.me/HassanHazrati50/121>
- حضرتی، حسن و رحمانیان، داریوش (۱۴۰۴/۰۹/۲۸)، «آسیب‌شناسی رشته تاریخ»، کانال تلگرامی مردم‌نامه. بازیابی شده از پیوند: <https://t.me/mardomnameh/10712>
- رانکه، لئوپلد فون (۱۴۰۲)، تاریخ‌نگاری، روش و پارادایم، ترجمه و تدوین امیر علی‌نیا، تهران: ندای تاریخ.
- عباسی، سمیه و ملک‌شاهی، هاشم (۱۴۰۱)، «تاریخ‌میان‌رشته‌ای و جایگاه آن در پژوهش‌های تاریخی»، دوفصلنامه علمی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، سال ۳۲ (دوره جدید)، شماره ۲۹، پیاپی ۱۱۴، بهار و تابستان، صص ۲۲۰-۱۸۳.
- قنبری، صباح و ورفی‌نژاد، ایرج (۱۴۰۲)، «رسالت مورخان؛ کندوکاو و نقدی بر توصیف فربه به‌مثابه مهم‌ترین وظیفه مورخان»، دوفصلنامه علمی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، سال ۳۲ (دوره جدید)، شماره ۳۱، پیاپی ۱۱۶، بهار و تابستان، صص ۲۲۱-۲۴۰.
- کانال تلگرامی فکت‌نامه به آدرس: <https://t.me/factnameh>
- گاست، خوزه ارتگا ئی (۱۴۰۳)، تاریخ به‌مثابه نظام؛ معرفت تاریخی (معرفی بنیانی نو برای معرفت تاریخی)، ترجمه رضا وسمه‌گر، تهران: آگاه.
- Ranke, Leopold von (1909), *History of the Latin and Teutonic Nations 1494-1514*, A revised translation by G. R. Dennis, With an introduction by Edward Armstrong. London: George Bell & Sons.
- White, Hayden (1987), *The Content of the Form: Narrative Discourse and Historical Representation*, Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Merriam-Webster Dictionary (2026), "Historiology." Merriam-Webster.com Dictionary. Accessed: May 14, 2026. <https://www.merriam-webster.com/dictionary/historiology>.
- Gasset, Jose Ortega y. (1941), *History as a System and Other Essays Toward a Philosophy of History*, Translated by Helene Weyl, New York: W. W. Norton.
- Leute, Ulrich (1987), *Archaeometry: An Introduction to Physical Methods in Archaeology and the History of Art*, Weinheim and New York: VCH Verlagsgesellschaft / VCH Publishers.
- Adams, William Hampton (1979), "Historical Archaeology: Science and Humanism," *Humanities in Society* 2, no. 4: 417-430.
- Hughes-Warrington, M., Martin, A., & Yarlupurka O'Brien, L. (2026), *Artificial Historians*, Routledge.

Transliteration

- Hazrati, Hassan (2025), *Research Method in Historiography* (with revisions and additions), 3rd edition, Tehran: Logos Publishing.
- Factnameh Telegram Channel: <https://t.me/factnameh>
- Hazrati, Hassan, and Dariush Rahmaniān (2025, September 28), "Pathology of the Field of History", *Mardomnameh Telegram Channel*. Retrieved from: <https://t.me/mardomnameh/10712>
- Gasset, José Ortega y. (2023), *Historia como sistema*, translated by Reza Vasmehgar, Tehran: Aghah,
- Ranke, Leopold von (2023), *Historography, Method and Paradigm*, translated and edited by Amir Alinia, Tehran: Nedā-ye Tārīk.
- Hazrati, Hassan (2020), "On the Most Important Disciplinary Task of Historians", *Scientific Quarterly of History Making and Historiography of Al-Zahra University*, vol. 30 (New Series), no. 26, issue 111, Autumn/Winter, pp. 69-87.
- Hazrati, Hassan (2022), "Fat Description, The Most Important Scientific Responsibility of Historians from Old to New", *Scientific Quarterly of History Making and Historiography of Al-Zahra University*, vol. 32 (New Series), no. 30, issue 115, Autumn/Winter, pp. 117-135.
- Abbasi, Somayyeh, and Hashem Malekshahi (2022), "Interdisciplinary History and Its Position in Historical Research", *Scientific Quarterly of History Making and Historiography of Al-Zahra University*, vol. 32 (New Series), no. 29, issue 114, Spring/Summer, pp. 183-220.
- Ghanbari, Sabah, and Iraj Varfinzhad (2023), "The Mission of Historians; An Investigation and Critique of Fat Description as the Most Important Task of Historians", *Scientific Quarterly of History Making and Historiography of Al-Zahra University*, vol. 32 (New Series), no. 31, issue 116, Spring/Summer, pp. 221-240.
- Hazrati, Hassan (2020, April 3), "Today's Journalists, Yesterday's Chroniclers," *Telegram channel Tarikh Shenasi*, Retrieved from <https://t.me/HassanHazrati50/12>
- Hazrati, Hassan (2020, July 20), "Towards Laboratory Historiography," *Telegram channel Tarikh Shenasi*, Retrieved from <https://t.me/HassanHazrati50/121>.

The Decline of Historiology as an Academic Discipline

Extensive Abstract

Introduction: Modern historiography, particularly since the nineteenth century, has been grounded in the assumption that historians can provide a reliable and scientific account of significant events in the human past through the collection of documents, source criticism, comparison of accounts, and related methods. Within this framework, one of the historian's most important tasks has been to transform the raw and fragmented data of the past into reliable historical data, a process centered on the verification of historical accounts. In recent decades, however, the rapid development of technology and the expansion of the empirical and data-driven sciences have fundamentally altered the epistemic position of history. Under these circumstances, history has come to face a form of crisis that may be described as a crisis of scientific efficacy.

This article seeks to describe and analyze the current crisis of history as a crisis of scientific efficacy and to demonstrate that overcoming this condition requires the empirical and technological reconstruction of historiology. The author's central argument is that historians, much as has previously occurred in disciplines such as geography and archaeology, must move toward laboratory-based skills, data-driven methods, and systematic collaboration with the empirical sciences. Otherwise, a significant portion of the epistemic authority traditionally associated with historiology will gradually be transferred to other disciplines and institutions. In examining this argument, the author draws briefly upon Thomas Spragens's theory of crisis. The central premise of this theory is that crises can generate new ideas aimed at overcoming the very conditions that produced them.

With regard to the existing literature, the studies most closely related to the present subject have addressed the relationship between historiology and artificial intelligence. Among the most important of these is Marnie Hughes-Warrington's book *Artificial Historians*. In this work, the author is among the first scholars to examine the relationship between artificial intelligence and historiology not from a technical perspective, but from the perspective of the philosophy and theory of historiography. Her principal argument is that artificial intelligence is no longer merely a tool at the service of historians; rather, it has itself become a kind of "artificial historian," insofar as it collects, selects, classifies, and represents data concerning the past and produces narratives that play a role in individual

and social decision-making. From this perspective, the fundamental issue for the future of historical scholarship is not the possibility of replacing historians with artificial intelligence, but rather the necessity of rethinking the concepts of historiography, epistemic authority, memory, and ethical responsibility in the age of algorithms.

Method: The concern of the present essay differs fundamentally from Hughes-Warrington's argument despite these similarities. Her primary concern is to explain the epistemological and philosophical consequences of the entry of artificial intelligence into the domain of historiography, whereas the present study approaches the crisis of history from a different perspective. The argument advanced here is that the continued status of history as an academic discipline depends upon methodological transformation and the systematic incorporation of new technologies and methods derived from the empirical sciences, including artificial intelligence, big-data analysis, Geographic Information Systems (GIS), remote sensing, genetic analysis, scientific dating techniques, and other laboratory-based tools.

Results and discussion: Historiology is facing a profound crisis in the first quarter of the twenty-first century a crisis that concerns less the problems of narrative or ideology than the declining scientific efficacy of historians in the process of producing reliable historical accounts. New technologies, data science, forensic science, digital analysis, and laboratory methods have assumed a significant portion of the tasks that once belonged to the traditional domain of historians. Consequently, the epistemic authority of history is gradually being transferred to other disciplines and institutions.

A comparison between historical scholarship and the development of geography and archaeology demonstrates that disciplines capable of establishing meaningful connections with technology and the empirical sciences have not only preserved their scientific viability but have also acquired greater authority and efficacy. Accordingly, the future of historiography depends upon a form of empirical and technological reconstruction. Historians have previously undertaken such activities, albeit on a limited scale, in fields such as paleography, paper analysis, sigillography, and related areas. Today, however, a substantial portion of historical research particularly in fields such as contemporary history, current history, oral history, and related areas should be conducted in historical research laboratories in order to produce reliable results.

Conclusion: It may be preferable to speak of historiography rather than simply *history*, and to conceptualize history as an empirical field of knowledge. This proposition should by no means be understood as a call

to embrace positivism. Empirical approaches must clearly be distinguished from positivist approaches; nevertheless, there is no doubt that they incorporate some of the positive aspects of positivism.

The hybrid concepts of Laboratorial History and Clinical History are not commonly used terms among European and American historians. Nevertheless, in the author's view, they are likely to become increasingly prevalent in academic writings on historical scholarship in the near future.

Keywords: Historiology, crisis of epistemic inefficacy, data-driven sciences, verification of historical data.